

آسمانها در قرآن

فروغ پارسا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده:

آیات مربوط به آسمانها در قرآن حتی صرفنظر از جنبه آماری و عددی آن بسیار متنوع، جالب و شگفت‌انگیز است و در بسیاری موارد نمایانگر جنبه اعجاز علمی قرآن کریم می‌باشد. شمارگان بالای آیاتی که واژه «سما» در آنها بکار رفته، خود گواهی امری معنی‌دار است. در برخی آیات این مجموعه سما به معنی آسمان قابل مشاهده و محسوس تعریف شده است که در آنها ساختار فیزیکی و پدیده‌های طبیعی مربوط به آسمان تبیین گردیده است؛ و در دسته دیگری از آیات، به عنوان آسمانی که از دیده ما پنهان و در عوالم غیب است و تدبیر امور و مقدرات این عالم در آنجا شکل می‌گیرد مورد عنایت واقع شده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، تفسیر، تفسیر علمی، سما، سماوات، آسمان.

بی‌تردید در تاریخ علم و تفکر بشر، آسمان همواره جایگاه ویژه‌ای داشته است. اگر چه فلاسفه و عرفا، طبیعیون و علماء، شاعران و ادبا هر یک رویکرد متفاوتی به این پدیده داشته‌اند، لکن عظمت و بیکرانگی زیبایی و در عین حال مهابت و اسرارآمیزی آسمان توجه همگان را به خود جلب کرده است. اینکه این پرسش مطرح می‌شود که آسمان چیست و کجاست؟ آیا همانجا که ستارگان درخشان و نورانی در اویند، همانجا که باران رحمت از آن فرو می‌ریزد؟ همانجا که فرشتگان در حال تسبیح خدایند. همانجا که رزق خلایق در آن رقم می‌خورد؟ همانجا که عذاب از آن فرود می‌آید. همانجا که

بهشت موعود آنجاست. آیا براستی راههایی در آسمان هست؟ آیا آسمان دری دارد؟ آیا آسمان سقف زمین است؟ ما برای یافتن پاسخی برای سؤالهای خود نخست به کتاب مبین روی کردیم. در اولین گام آیاتی که واژه سماء (معادل آسمان) و یا سماوات در آن بود برشمردیم. فراوانی آیات مربوط به آسمان متناسب با فراوانی پرسشها قابل ملاحظه است.

شمارگان آن بیش از سیصد است (المعجم المفهرس، ۳۶۲-۶۶)، یعنی از هر ۱۹ آیه قرآن یک آیه مربوط به آسمان است. این ارقام قطعاً در خور تأمل و تدبر است چرا که هیچ زیاد و کمی در قرآن بدون حکمت نیست و این کتاب شریف بنا به نص خود به «اندازه‌ها» عنایتی ویژه دارد چنانکه می‌فرماید: *قد جعل الله لكل شیء قدراً* یعنی «خداوند برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است.» (طلاق/۳).

بهر روی در نگاه اول فراوانی شمارگان آیات توجه را جلب می‌نماید. تقریباً در ۱۲۰ آیه واژه سماء و در بیش از ۲۱۰ آیه سماوات آمده است (نزدیک به دو برابر شده است) در ۱۷۸ مورد سموات به ارض عطف شده در حالیکه تنها در ۳۳ مورد سماء به ارض معطوف شده است (همان).

در این مجموعه به چند دسته آیه برخورد می‌کنیم که ما را به تعریف طبقه‌بندی شده‌ای از آسمان رهنمون می‌گردد. تفکر در این مجموعه آیات ما را بدین جا رساند که گاهی سماء به عنوان آسمان قابل مشاهده و حس مورد عنایت خدای تعالی است و زمانی آسمانی که از دیده ما پنهان است. از این رو آیات مربوط به آسمان در دسته‌بندی اولیه دو گونه می‌شوند:

آسمان در ظرف عوالم شهود (آسمان پیدا)

آسمان در ظرف عوالم غیب (آسمان پنهان)

در دسته نخست که فراوانی قابل ملاحظه‌ای نسبت به کل آیات مربوط به سماء دارند و حدود ۷۶ درصد آیات را به خود اختصاص می‌دهند، این گروه فضایی مادی یعنی قابل مشاهده و محدود را بعنوان سماء تعریف می‌نماید. در دسته‌بندی این نوع آیات، چند زیردسته وجود دارد:

۱-۱- آیاتی که به ساختار فیزیکی و چگونگی پیدایش و تسویه آسمانها اشاره می‌کند.

- ۲-۱- آیاتی که به ستارگان و اجرام سماوی اشاره می‌کند.
 - ۳-۱- آیاتی که به ابرهای تشکیل دهنده باران و نزول باران از آسمان اشاره می‌کند.
 - ۴-۱- آیاتی که به موجودات زنده در آسمانها اشاره دارد.
 - ۵-۱- آیاتی که به کیفیت تحول آسمان در قیامت اشاره می‌کند.
- در دسته دوم که مربوط به آسمان در ظرف عوالم غیب است، علی القاعده به آیاتی برخورد می‌شود که آسمان را به گونه‌ای پنهان و پوشیده از حواس معمولی معرفی می‌نماید. در این دسته آیات، آسمان محل تدبیر امور غیبی است. تدبر در آیات این مجموعه، ما را به زیر دسته‌هایی رهنمون می‌گردد:
- ۱-۲- آیاتی که به آسمان به عنوان محل نزول وحی اشاره می‌کند.
 - ۲-۲- آیاتی که به آسمان به عنوان عالم ملکوت و تدبیر امور اشاره می‌کند.
 - ۳-۲- آیاتی که به آسمان به عنوان محل نزول رزق اشاره می‌کند.
 - ۴-۲- آیاتی که به آسمان به عنوان محل نزول عذاب اشاره می‌کند.
 - ۵-۲- آیاتی که به آسمان به عنوان عالم ارواح و عروج اعمال اشاره می‌کند.
- در این مقاله به تأملی کوتاه درباره هر یک از دو گونه آسمان بسنده شده است.

۱- آسمان پیدا

گفتیم که شمارگان بسیاری از آیات مربوط به سماء، به آسمانی اشاره می‌کند که برای بشر محسوس و قابل دیدن است و در این نوشتار از آن به «آسمان پیدا» تعبیر شده است. اینک پیش از ورود به بحث، خوب است معانی لغوی سماء را عرضه کنیم:

- معنی لغوی سماء

سماء از ریشه «سمو» به معنای بلندی و بلند مرتبگی است و سماء هر چیزی، بالای آن است. «زجاج» می‌گوید: سماء در لغت به هر چیزی که ارتفاع بگیرد و بالا باشد گفته می‌شود و هر سقفی سماء است (ابن منظور، ۱۴/۳۹۷).

- سماء در قرآن کریم

واژه سماء در قرآن کریم در معانی گوناگون بکار رفته است که لغت شناسان قرآن بدان اشاره کرده‌اند (دامغانی، ۳۱۴؛ تفلیسی، ۱۳۴) اهم این معانی به قرار زیر است:

به معنی «سقف خانه» در آیه «من كان يظن ان لن ينصره الله في الدنيا والاخره فليمدد بسبب الى السماء (حج/۱۵) (ابوالفتوح، ۲۹۵/۱۳؛ گارز، ۱۸۴/۶؛ کاشانی، ۱۴۳/۶؛ طوسی، ۲۹۸/۷).

به معنای «ابر» در آیه انزل من السماء ماء فسالت او ديه بقدرها (رعد/۱۷).

به معنای باران در آیه يرسل السماء عليكم مدراراً (نوح/۱۱).

به معنای جهت در آیه قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضاها (بقره/۱۴۳) (کاشانی، ۳۴۰/۱؛ طبرسی، ۲۲۷/۱).

به معنای آسمان در آیه والسماء بنيناها بايد (ذاریات/۴۷).

۱-۱- ساختار فیزیکی و پیدایش آسمانها

در بررسی آیات مربوط به سماء ملاحظه می شود که شمار قابل توجهی از آیات به تبیین ساختار فیزیکی و نیز پیدایش آسمانها پرداخته که در موارد ذیل قابل طبقه بندی می باشد.

۱-۱-۱- پدید آورنده آسمانها

خداوند خالق و آفریننده همه عالم یعنی آسمانها و زمین است. چنانکه خدای تعالی در آیات بسیاری آنها تأکید نموده است. از جمله: الله الذی خلق السموات والارض (ابراهیم/۳۲) یعنی: خداست که آسمانها و زمین را آفریده است.

۱-۱-۲- عظمت و شگفت آوری آفرینش آسمانها

بدون تردید اصل آفرینش خود امری اعجاب آمیز و شگفت انگیز است و انسان را به تفکر و تدبر در عظمت قدرت الهی وادار می کند. خدای تعالی نیز خود، در چند آیه انسان را به تدبر در عظمت خلقت آسمانها دعوت می کند (غاشیه/۱۸؛ نازعات/۲۷؛ شمس/۵).

۱-۱-۳- چگونگی پیدایش آسمانها

خدای تعالی می فرماید: او لم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانت رتقاً ففتقناهما (انبیاء/۳۰) یعنی: آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود ما آنها را بشکافتیم.

در جای دیگری می‌فرماید: ثم استوی الی السماء و هی دخان (فصلت / ۱۱)، یعنی سپس به آسمان پرداخت و آن دود بود.

این دو آیه که ظاهراً چگونگی پیدایش آسمانها را تبیین کرده، بویژه در قرن حاضر مورد توجه مفسران علمی قرار گرفته است. در واقع ایشان با استفاده از یافته‌های نوین دانش بشری رویکردی هستی‌شناسانه به قرآن داشته‌اند. آنچه از تفسیرهای علمی درباره‌ی این دو آیه استفاده می‌شود این است که همه‌ی آسمانها و زمین یک ماده‌ی واحد به هم پیوسته‌ای بوده که اجزای آن را ذرات گازی (گاز سدیم) مثل دخان (دود) تشکیل می‌داده است. بر اثر عاملی، این گاز متراکم تفکیک می‌شود و موجب بوجود آمدن ستارگان و کرات می‌گردد. پس از انفکاک و جدایی، زمین به قطعه‌ی مستقل و ملتهبی تبدیل می‌شود. سپس عناصر اکسیژن و هیدروژن در فضا تلاقی پیدا می‌کنند و به علت برخورد و سرمای فضا به آب تبدیل شده به زمین می‌بارند، در نتیجه زمین سرد شده و در آن قطعات خشکی و آب پدیدار می‌گردد و گیاهان و حیوانات در آن پدید می‌آیند (رشید رضا، ۶۱/۲؛ سید قطب، ۵۳۰/۵، ۲۲۹/۷؛ مغنیه، ۲۷۳-۲۷۴/۵؛ نوفل، ۲۲۷؛ نیازمند، ۱۶۷؛ طنطاوی، ۱۹۸/۱۰، ۹۰/۱۹). درباره‌ی پیدایش جهان و نیز تشکیل ستارگان و سیارات مختلف در کیهان شناسی نظریه‌های نوینی ارائه شده است، از جمله نظریه‌ی «مهبانگ» یا «انفجار عظیم» و نظریه‌ی مدل‌های تورمی که بطور کلی هیئت قدیم و بطلمیوسی را باطل کرده و نیز نظریه‌ی «حالت پایا» درباره‌ی عالم را به گونه‌ای اساسی مورد انتقاد قرار داده است (ژان گیتون و دیگران، ۳۰-۳۶؛ استیفن هاوکنگ، ۲۱-۳۰؛ منصور، ۱۰۶).

بنابر نظریات جدید حدود پانزده میلیارد سال قبل، عالم در طی یک انفجار عظیم از بطن هیچ بیرون آمد. در این لحظه بوده که همه چیز یعنی کل ماده، انرژی، حتی فضا و زمان به وجود آمده و از آن پس خمیره عالم در حال انبساط و سرد شدن بوده است. ابتدا خوشه‌های کهکشانی سپس کهکشانها و بعد هم منظومه‌ها و سیارات پدید می‌آیند (منصوری، ۱۸۰-۱۰۸). مفسران علم‌گرا چنین می‌اندیشند که آیات قرآن درباره‌ی پیدایش عالم با نظریات علمی جدید نه تنها تعارضی ندارد بلکه حتی قابل انطباق با آنهاست (طنطاوی، ۱۹۹/۱۰، ۹۰/۱۹، رشید رضا، ۶۱/۲؛ سید قطب، ۵۳۰/۵).

صرفنظر از رویکرد هستی‌شناسانه، مفسران دیگر نیز در ذیل تفسیر این دو آیه

قرآنی به چگونگی پیدایش آسمانها می‌پردازند و به هم پیوستگی نخستین و انفصال بعدی را تحلیل می‌کنند (طباطبایی، ۱۴/۳۹۲-۳۹۰؛ فیض کاشانی، ۲/۹۰؛ فخر رازی، ۲۲/۱۶۱).

۴-۱-۱- نیروی جاذبه در آسمانها

از دیگر آیاتی که در تبیین ساختار فیزیکی آسمانها در قرآن آمده، آیه زیر است: **الله الذی رفع السموات بغير عمد ترونها (رعد/۲)** یعنی: الله همان خداوندی است که آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید برافراشت. شاید تا همین قرن اخیر که نیروی جاذبه عمومی کشف شد، مفسران قرآن به دنبال یافتن معنای ستون نادیدنی بودند که آسمانها بر فراز آنها برافراشته شده است، لذا نادیدنی بودن آن را بگونه‌ای توجیه می‌کردند (آلوسی، ۱۳/۸۸۸۶).

اما امروزه تقریباً بدیهی است که منظور از ستون نامرئی، نیروی جاذبه‌ای است که ستارگان و اجرام سماوی را در مدار خود نگه می‌دارد؛ در آیه ۶۵ سوره حج، اشاره شده که همین نیرو، از فروافتادن آسمان بر زمین جلوگیری می‌کند (لطفی جمعه، ۲۴۷؛ مراغی، ۶۱ و ۶۲).

قانون جاذبه عمومی یکی از قوانین بسیار قابل اهمیت در علم فیزیک است و براساس آن نیرویی که جسمی بر جسم دیگر وارد می‌نماید، با جرم جسم جاذب تناسب مستقیم دارد و با مجذور فاصله آن دو نسبت معکوس دارد. همین رابطه است که تمام کواکب و آسمانها را از تخطی و تجاوز به یکدیگر حفظ می‌کند و بعبارت دیگر نظام عالم هستی را محفوظ می‌دارد و چون نیرو یا قوه چیزی نیست که بتوان آنرا با چشم دید لذا در قرآن مجید می‌فرماید: **خدا، آن قادر متعالی است که آسمانها و ستارگان را بدون هیچ پایه و ستونی که به رؤیت شما درآید برافراشت (هیوی، ۵۹)**. در تفاسیر دیگر و نیز تفاسیر ماثور نیز قریب به این مضامین در ذیل تفسیر این آیه آمده است (بحرانی، ۲۷۸/۲؛ مکارم، ۱۰/۱۱۰).

۵-۱-۱- آسمان سقف و نگهدارنده زمین است.

از دیگر ویژگیهای ساختاری که قرآن برای آسمان بیان کرده است این است که می‌فرماید: **و جعلنا السماء سقفاً محفوظاً (انبیاء/۳۲)**، یعنی: آسمان را سقفی محفوظ

و طاقی محکم آفریدیم.

درباره اینکه آسمان چگونه سقف و نگهدارنده زمین بوده است مفسران مطالب مختلفی بیان کرده‌اند اما در تفسیر علمی این آیه مطالب مهمی آمده است. از جمله آنکه منظور از آسمان در اینجا جوّی است که گرداگرد زمین را فرا گرفته و ضخامت آن صدها کیلومتر است. این قشر ظاهراً لطیف که از هوا و گازها تشکیل شده به قدری محکم و پرمقاومت است که هر موجود مزاحمی از بیرون به سوی زمین بیاید نابود می‌شود و کره زمین را در برابر بمباران شبانه‌روزی سنگهای شهاب که بسیار خطرناکند حفظ می‌کند.

و نیز جو زمین که علاوه بر کارهای دیگری که دارد درجه حرارت را بر سطح زمین در حدی شایسته برای زندگی نگاه می‌دارد، و نیز ذخیره بسیار لازم «آب و بخار آب» را از اقیانوسها به خشکی‌ها انتقال می‌دهد که اگر چنین نبود همه قاره‌ها به صورت کویرهای خشک غیر قابل زیستی در می‌آمد (مکارم، ۱۳/۳۹۸-۴۰۰). همچنین گفته شده: با وجود جو فقط $\frac{1}{1000}$ اشعه خورشید به ما می‌رسد و اگر بیشتر از این بود موجب هلاکت و حریق اهل زمین می‌شد و چه بسا زمین ذوب می‌شد. از این گذشته، این کمربند حفاظتی جو، تشعشعات هسته‌ای را در سطح جواز بین می‌برد (عراجی، ۲۵).

۱-۱-۶- آسمانهای هفتگانه در قرآن کریم

از مطالبی که درباره پیدایش و ساختار آسمانها در قرآن کریم آمده است، تنظیم و تسویه آسمانها به آسمانهای هفتگانه است. ظاهراً موضوع هفتگانه بودن آسمانها از زمانهای بسیار قدیم بوسیله انبیاء (ع) بیان شده و در قرآن مجید نیز آسمانهای هفتگانه در چند آیه آمده است (نوح / ۱۵؛ بقره / ۲۹؛ اسراء / ۴۴؛ فصلت / ۱۲؛ مؤمنون / ۱۷، ۸۶؛ طلاق / ۱۲).

اگر چه بشر تاکنون درباره چگونگی هفت آسمان درک قطعی پیدا نکرده است ولی آیات قرآن بویژه احادیث مربوط به معراج پیامبر (ص) که سفر ایشان به همراه جبرئیل در آسمان دنیا سپس آسمان دوم و سوم تا هفتم را بیان می‌کند، (ابن حجر، ۶/۲۱۷-۲۲۰)، معلوم می‌دارد که آسمانهای هفتگانه امری حقیقی است نه صرفاً انتزاعی.

در مورد آسمانهای هفتگانه و چگونگی آنها نظریه‌های مختلفی ایراد شده است

- ۱- آسمانهای هفتگانه همان سیارات منظومه شمسی هستند (قاسمی، ۱۶/۵۸۷۷).
- ۲- منظور از عدد هفت، کثرت است نه عدد خاص (طنطاوی، ۱/۵۰-۴۷؛ شریعتی، ۱۳؛ مورس بوکای، ۱۹۱).
- ۳- آسمانهای هفتگانه همان مدار حرکت ستارگان و یا طبقات جو زمین است (طالقانی، ۱/۱۱۱؛ درباره نقد و بررسی این نظریه‌ها، نک: ابوججر، ۳۸۰-۳۸۵؛ العقاد، ۹۰؛ الغمراوی، ۲۵۶).
- ۴- آسمانهای هفتگانه عوالم هفتگانه‌اند (مکارم، ۱۶/۱ و ۲۳۰/۲۰؛ طباطبایی، ۱۷/۵۶۰). بنا به این نظریه، همه فضای لایتناهی آسمانها با میلیونها کهکشان و میلیاردها ستاره درون آن، آسمان اول است، زیرا خدای تعالی می‌فرماید: آسمان و دنیا را بوسیله ستارگان زینت بخشیدیم و اما قرآن درباره شش آسمان دیگر سخنی نراند و دانش بشری نیز تاکنون بدان دست نیافته است. بنظر می‌رسد این رویکرد از نظریات دیگر متقن‌تر است از آن جهت که مجبور به تأویل نص آیه مبنی بر هفتگانه بودن آسمانها نشده و از سوی دیگر با بررسی‌های علمی نیز به هیچ روی منافاتی ندارد.

۷-۱-۱- مراحل پیدایش آسمانها

در قرآن شریف با آیاتی مواجه می‌شویم که در آنها، از مدّت آفرینش یا به تعبیری از مراحل پیدایش آسمانها سخن رفته است. در هفت آیه از آیات قرآن مجید چنین آمده است: خداوند، آسمانها و زمین را در شش روز آفرید (هود/۷؛ یونس/۳؛ اعراف/۵۴؛ فرقان/۵۹؛ سجده/۴؛ ق/۳۸؛ حدید/۴) ولی بطور مشخص در آیه ۱۲ سوره فصلت بیان شده که خداوند هفت آسمان را در دو روز آفرید.

راغب در مفردات (ص ۵۷۸) می‌گوید: «یوم» گاهی به مقدار زمان میان طسوع و غروب گفته می‌شود و گاهی به مدتی از زمان هر مقدار برده باشد گفته می‌شود. درباره این مطلب که خداوند می‌فرماید: زمین و آسمانها را در شش روز آفریده و یا اینکه آسمان را در دو روز آفریده است، همه مفسران اتفاق نظر دارند که منظور از «یوم» روز نبوده بلکه دوران یا مرحله خاصی است که البته قرآن این مراحل را مشخصاً بیان نکرده

است (سید قطب، ۷/۲۳۴-۲۳۱؛ مکارم، ۶/۲۰۰ به بعد؛ آلوسی، ۲۴/۱۰۶).

۸-۱-۱- توسعه آسمانها

از دیگر مباحثی که با ساختار فیزیکی آسمانها ارتباط دارد، موضوع توسعه آسمانهاست که امروزه تحت عنوان «انبساط عالم» در کیهان شناسی مورد مطالعه است. خدای تعالی می فرماید: و السماء بنیناها باید و انا لموسعون (ذاریات/۴۷)، یعنی: ما آسمان را با قدرت بنا کردیم و همواره آن را وسعت می بخشیم.

در توضیح معنای موسعون گفته شده که منظور توسعه دادن به خلقت آسمانهاست (طباطبایی، ۱۸/۵۷۳؛ مکارم، ۲۲/۳۴۷).

انبساط جهان با شکوه ترین پدیده مکشوف دانش نو به شمار می آید و امروزه، اصول آن کاملاً به ثبوت رسیده و بحثهایی که در این باره در می گیرد، پیوسته پیرامون الگویی دور می زند که انبساط، طبق آن انجام می پذیرد (درباره انبساط جهان در علم کیهان شناسی نک: حاج، ۲۶۰؛ منصوری، ۷۳-۷۱).

۲-۱- ابر و باران آسمان

واژه های ابر و باران به قدری با آسمان در هم تنیده هستند که خود قرآن در برخی از آیات واژه سماء را به معنای ابر و باران بکار برده است (مثلاً رعد/۱۷؛ انعام/۶؛ هود/۵۲).

نزول باران از آسمان که قرآن از آن به فرو ریزش آب از آسمان تعبیر کرده است در بیش از بیست و نه آیه^۱ تصریح شده است. در برخی سوره ها بیش از یک آیه وجود دارد که به این مطلب اشاره کرده ولی بر روی هم می توان برآورد کرد که تقریباً در یک چهارم کل سوره های قرآن به فرو ریزی آب از آسمان اشاره شده است. البته با توجه به سیاق سورگوناگون، تفسیرها و تأویل های مختلفی برای آن بیان شده است. ولی شاید موضوع عمده ای که قرآن بدان عنایت داشته، ارتباط ویژه آب با حیات بشر و رویش گیاهان و

۱. معجم المفهرس، بقره/۲۲، ۱۶۴؛ انعام/۶، ۹۹؛ انفال/۱۷؛ هود/۵۲؛ رعد/۱۷؛ ابراهیم/۳۲؛ حجر/۲۲؛ نحل/۱۰، ۶۵؛ طه/۵۲؛ حج/۶۳؛ نور/۴۳؛ فرقان/۴۸؛ نمل/۶۰؛ عنکبوت/۶۳؛ روم/۲۴؛ لقمان/۱۰؛ فاطر/۲۷؛ زمر/۲۱؛ زخرف/۱۱؛ ق/۹.

رزق و خوراک انسانها باشد. در بسیاری آیات عنوان می‌شود که روزی شما بواسطه همین آب است که از آسمان فرو می‌ریزد و باعث رشد و نمو درختان و گیاهان مختلفی می‌شود که شما بدان تغذیه می‌کنید. در باب آیه انزل من السماء ماء فسالت اودیه بقدرها (رعد/ ۱۷) در برخی از تفاسیر گفته شده: آبی که از آسمان فرو می‌ریزد کنایه از قرآن است که هر کس به اندازه درکش از آن بهره می‌برد (فخر رازی، ۳۵/۱۹) و برخی گفته‌اند کنایه از وجود است و رودخانه‌ها کنایه از ماهیات و قابلیت‌های ممکنات است (طباطبایی، ۴۶۲/۱۱).

در برخی آیات نیز از مسأله نزول باران از آسمان برای انذار کسانی که غرق در لذات مادی دنیا شده‌اند استفاده کرده است و می‌فرماید: واضرب لهم مثل الحیة الدنیا کما انزلناه من السماء (یونس/ ۲۴؛ کهف/ ۴۵) یعنی برای فرورفتگان در زینت حیات دنیا و روی گرداندن از یاد پروردگار حقیقت دنیایی‌شان را به آبی مثل بز که ما از آسمان نازل کردیم.

و اما کیفیت تشکیل ابر و باران و ارتباطی که باد با تشکیل ابرها دارد و قرآن شریف در چند آیه بدانها اشاره کرده است، مورد توجه برخی مفسران قرار گرفته و با توضیحات مفصل علمی این قبیل آیات قرآن را در زمره معجزات علمی قرآن برشمرده‌اند (بازرگان، ۱۲۴-۱۲۲).

۱-۳- ستارگان و اجرام سماوی در قرآن

عظمت، شگفت‌انگیزی، زیبایی و درخشندگی ستاره‌ها و کرات آسمان، باعث شده است تا قرآن در آیات بسیاری بدانها اشاره نماید. عموماً قرآن کریم با واژگان «نجم»، «نجوم»، «کواکب»، «مصاییح» و «بروج» به مسأله ستارگان پرداخته است؛ و در بعضی موارد نیز ستاره‌ای به نام مخصوص خود مورد اشاره قرار گرفته، مانند شعری و طارق. و خورشید و ماه نیز با توجه به اینکه ارتباط ویژه‌ای با زندگی مردم در کره زمین دارند، بطور اخص در آیات فراوانی مورد عنایت قرار گرفته‌اند. بطور کلی آیات مربوط به ستارگان در موارد ذیل قابل دسته‌بندی می‌باشد.

۱-۳-۱- ستارگان: زینت آسمانها (صافات/ ۶؛ فصلت/ ۱۲)،

- ۱-۳-۲- ستارگان: علامت های راهنمایی و هدایت (انعام/۹۷؛ نحل/۱۶)،
۱-۳-۳- ستارگان: برج های آسمان (بروج/۱؛ حجر/۱۶؛ فرقان/۶۱)،
۱-۳-۴- ستارگان: محل سوگند خداوند (شمس/۵ و چند آیه دیگر)،
۱-۳-۵- حرکت ستارگان در مدار خود (انبیاء/۳۳؛ یس/۴۰)،

۱-۴- موجودات زنده در آسمانها

از دیگر مطالبی که در ارتباط با آسمانها در قرآن آمده است مسأله موجودات زنده در آنهاست. تعبیر من فی السموات والارض، یعنی کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بطور صریح در بیش از پانزده آیه تکرار گردیده است (المعجم المفهرس، ۳۶۴-۳۶۶).
خدای تعالی دقیقاً همان تعبیراتی را که برای اهل زمین در مورد تسبیح و تقدیس الهی بکار برده، درباره اهل آسمانها نیز بکار برده است (حج/۱۸؛ نور/۳۱؛ رعد/۱۵).
همچنین بنظر می رسد همان بیم و هراسی که از مسائل قیامت در دل اهل زمین پدید آمده، در دل اهل آسمانها نیز هست (نمل/۸۷؛ زمر/۶۸).
در برخی آیات انسانهای روی زمین، به گونه خاصی از جانب آسمانیان مورد تهدید واقع شده اند (ملک/۱۶؛ ۱۷).

به هر روی با تدبر در مجموع این آیات مسأله وجود موجودات دیگری در آسمانها به جز فرشتگان امری قطعی است اما چگونگی حیات این موجودات، محل سکونت و دامنه فعالیتشان موضوع بحث انگیزی است که برخی با رویکرد قرآن پژوهانه و برخی از منظر علوم کیهان شناسی بدان پرداخته اند. در این باره، کیهان شناسان، سیارات مختلف را به لحاظ زیست محیطی مورد مطالعه قرار داده اند و تنها در یکی دو سیاره حیات نباتی را کشف نموده اند لکن نگارنده معتقد است با توجه به برخی اشارات قرآنی احتمال می رود، جن که از آتش سرشته شده، از مصادیق من فی السموات باشد، بویژه آنکه طبق نصوص قرآنی، جن دارای علم و ادراک است، تکلیف و مسؤولیت و معاد دارد، و نیز قدرت نفوذ در آسمانها را دارد.

۱-۵- تحول آسمانها در قیامت (سرانجام آسمانها)

سرانجام کهکشانشان چه خواهد شد؟ این ستارگان نورانی که با سرعت‌های میلیونی در مدارهای خود در حال چرخش هستند عاقبت به کجا خواهند رسید.

قرآن در یک بیان کلی نسبت به همه پدیده‌ها می‌فرماید: کل یجری الی اجل مسمی (رعد/۲)، یعنی: همه به سوی سرآمد خویش به پیش خواهند رفت و آن سرآمد بدون شک قیامت است. قرآن در آیات متعددی به واقعه عظیمی که منجر به نابودی آسمانها و ستارگان و خورشید می‌گردد اشاره می‌کند (انشقاق/۱؛ تکویر/۱۱؛ انفطار/۲-۱؛ حاقه/۱۶؛ مرسلات/۱۰-۹؛ معارج/۸؛ طور/۹؛ انبیاء/۱۰۴؛ زمر/۶۷؛ الرحمن/۳۷). به هر روی آنچه از مجموع آیات مربوط به سرانجام آسمانها دانسته می‌شود انفجار، از هم گسیختگی، شکافتگی، درهم پیچیدگی، ذوب شدن و شاید نابود شدن است. فیزیکدانان معتقدند اگر جرم کلی جهان فوق یک حد نهایی مطلوب باشد، آنگاه در انتهای زمانی کم و پیش دراز، مرحله انبساط به پایان خواهد رسید. در این صورت ممکن است که یک انقباض جدید عالم را به نقطه ابتدایی خود باز گرداند. آنگاه ماده تشکیل دهنده کهکشانشان، ستارگان، کرات، تمام اینها تا درجه‌ای فشرده خواهد شد که دوباره مبدل به یک نقطه ریاضی حذف کننده فضا و زمان شود (ژان گیتون، ۱۷۳؛ هاوکنینگ، ۱۴۹-۱۵۶) و عجیب اینجاست که در سوره انبیاء نیز آمده است: یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب کما بدأنا اول خلق نعیده (همان/۱۰۴) و پیداست که درهم پیچیده شدن طومار آسمانها- همانند طومار یک نوشته- تعبیر دیگری از انقباض هستی است.

۲- آسمان پنهان

به قطع می‌توان گفت بشر از آسمان پنهان هیچ نمی‌داند. آسمانی که کتابهای الهی از آن فرود آمده است کجاست؟ فرشتگان خدا در کدام نقطه زندگی می‌کنند؟ عذاب الهی از کدام کهکشان به سوی زمین فرو می‌ریزد؟ با کدام تلسکوپ می‌توان مسیر نزول مائده‌های آسمانی را تا زمین مشاهده نمود؟ کدام ماهواره می‌تواند از عروج اعمال به آسمانها فیلمبرداری کند؟ اینک باز باید تکرار کرد که علوم بشری تنها در دایره عالم محسوس و آشکار مؤثر است نه در محدوده عوالم غیب و آسمان غیب را جز با بال وحی نتوان درنوردید که فرمود لا یعلم الغیب الا هو.

بیشتر بیان شد که جستجو در آیاتی که به آسمانهای پنهان اشاره کرده‌اند، حول چند محور قابل دسته‌بندی است.

۱-۲- آسمانها، محل نزول وحی

خدای تعالی در قرآن از این حقیقت پرده برمی‌دارد که کتابهای آسمانی و از جمله قرآن از آسمانها نازل شده‌اند. اگر چه در بسیاری آیات واژه فرورفتادن و مشتقات آن بکار برده شده (۱۷۴ بار انزال با مشتقات آن در قرآن آمده است) (المعجم المفهرس، ۶۹۸-۶۹۴) ولی در آیه ۱۵۳ سوره نساء صریحاً به نزول کتاب از آسمان اشاره می‌نماید: *يسئلک اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتاباً من السماء*، یعنی: ای پیغمبر اهل کتاب از تو درخواست می‌کنند که بر آنان کتابی از آسمان فرود آوری.

به قرینه می‌توان احتمال داد که در بقیه جاهائی که درباره کتب آسمانی لفظ انزال یا وحی بکار برده شده منظور فرورفتادن وحی از آسمانها است.

قرآن شریف افاضه شدن کتاب الهی به رسول‌الله را با لفظ «تنزیل و نزول» بیان می‌کند. نزول نیز خود با امری خاص ملازم است، از این قرار که وحی از مقام یا مکان رفیعی، به شیوه مخصوص خود، خارج شده در مکان یا مقام پایین‌تر از آن استقرار پیدا کند و چون خداوند متعال ذات اقدس خود را به علو و رفعت توصیف فرموده از طرفی هم کتاب شریفش را نزد خود می‌داند در اینصورت استعمال کردن لفظ «نزول» در مورد استقرار پیدا کردن کتاب - بوسیله وحی - در قلب رسول‌الله درست بوده و به میزان خود واقع شده است (طباطبایی ۸/۳).

جستجو در تفسیرهایی که در ذیل این آیات نگاشته شده مطلب خاصی درباره کم و کیف این آسمانها بیان نکرده است. در بیان کلی آمده است که سماء هر چیز بالای آن است. کتاب و متون حاوی وحی از آسمان یعنی از عالم بالا یا عالم برین فرو فرستاده شده است.

همچنین در پاره‌ای از تفاسیر بیان شده که منظور از آسمان در این آیات مقام قرب و مقام حضور است. در بسیاری روایات نیز به این مطلب تصریح گردیده که کتابهای آسمانی یا به تعبیری شرایع، از آسمانها به انبیای عظام وحی گردیده است.

بعضی از مفسران معتقدند قرآن یک نوبت به تمامی، به آسمان دنیا نازل شده و آن در شب قدر بوده و سپس از آسمان دنیا به تدریج و در طول بیست و سه سال دعوت رسول خدا(ص) به زمین نازل شده است (طبرسی، ۶۱/۹). البته نظرات دیگری هم در این زمینه وجود دارد (نک: معرفت، ۳۵-۴۲).

۲-۲- عالم امر و تدبیر امور در آسمانهاست.

مطالعه آیاتی از قرآن مجید که حاوی واژه «سما» می باشد اگر چه ابعاد بسیار متنوع و مختلفی دارد و می توان آنها را در دسته ها و انواع مختلف تقسیم بندی نمود لکن وجه اشتراک همه آن است که خواننده را به دنیاهایی نو که سرشار از زیبایی، اسرار و شگفتی است آشنا می سازد. اگر چه مطالعه و تدبر در آیاتی که مربوط به آسمانها در عوالم محسوس است بسیار اعجاب انگیز است، ولی بررسی آیات مربوط به آسمان غیب به مراتب جالب تر و شگفت انگیز تر است. تفکر در عوالمی که با چشم ظاهری و حواس مادی قابل مشاهده نیست ولی همه انسانها به گواهی همه اعضا و جوارحشان به وجود آن عوالم و امور غیبی اعتقاد دارند.

نکنه اعجاب آمیز دیگری که در رابطه با آسمانها در قرآن وجود دارد این است که «عالم امر» در آسمانهاست. به تعبیر دیگر تدبیر امور این جهان در آسمانها انجام می گیرد؛ خداوند می فرماید: و اوحی فی کل سماء امرها (فصلت/۱۲) و نیز می فرماید: یدبر الامر من السماء الی الارض (سجده/۵)، همچنین می فرماید: الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن (طلاق/۱۲).

مفسران درباره عالم امر دیدگاههای متفاوتی دارند. برخی می پندارند مراد از «امر آسمان»، آنجا که می فرماید: «خدا به هر آسمانی وحی کرد» (فصلت/۱۲) همانا آثار است که می بایست در آن وجود داشته باشد، مانند فرشتگان یا ستاره ای که باید در آن خلق شود یا اینکه منظور از «امر آسمانها» تکلیف الهی اهل هر آسمان است (آلوسی، ۱۰۳/۲۴). بعضی گفته اند مراد از امر آسمان آن چیز است که خدا خواسته در آن قرار دهد (شیخ طوسی، ۱۱۰/۹). همچنین گویند منظور از تدبیر امر، همان وحی است که توسط جبرئیل از آسمان به زمین فرود می آید (بانو امین، ۱۰/۱۶۶)؛ و نیز

گفته‌اند خداوند امور این جهان را از مقام قرب خود به سوی زمین تدبیر می‌کند (مکارم، ۱۷/۱۱۴)؛ اما طباطبایی (۱۷/۵۵۷-۵۵۹) با جمع‌بندی آیات مربوط به «امر» می‌فرماید: آسمان مبدأ امری است که به وجهی از ناحیه خداوند به زمین نازل می‌شود و منظور از اوامر الهیه که در زمین اجرا می‌شود، عبارتست از خلقت و پدید آوردن حوادثی که آن حوادث را ملائکه از ناحیه خدای صاحب عرش حمل نموده و در نازل کردنش راههای آسمان را طی می‌کنند تا از یک یک آسمانها عبور داده به زمین برسانند. اما در باب اینکه این آسمانها کجایند آیات قرآن خاموش مانده‌اند.

۱-۲-۲- آسمان محل سکونت فرشتگان

با مروری بر مباحث پیشین خواننده متوجه می‌گردد که ساکنان و اهالی آسمانهای پنهان همان فرشتگان یا ملائکه خداوندند چنانکه بیان شد کتابها و شرایع الهی بوسیله فرشته وحی به پیامبر می‌رسد. همچنین اهل هر آسمانی یعنی ملائکه ساکن در آن آسمان، مأموریت دارند که تدبیر امور و یا امر هر آسمانی را به آسمان پایین‌تر تحویل دهند تا به زمین برسد سپس بازگردند.

خدای تعالی می‌فرماید: کم من ملک فی السموات و... (نجم/۲۶)، یعنی: بسیار ملک در آسمانها هست. برخی گفته‌اند که منظور از ملاء اعلی که در قرآن آمده، ملائکه مکرمی هستند که سکنه آسمانهای بالا را تشکیل می‌دهند (طباطبایی، ۱۷/۱۸۵).

و نیز در تفاسیر آمده است: «بیت معمور» خانه‌ای است در آسمان چهارم درست مقابل کعبه و از بس ملائکه برای عبادت در آن آمد و شد می‌کنند همیشه معمور و آباد است (طبرسی، ۹/۱۶۳).

این مطلب که «بیت معمور» خانه‌ای باشد در آسمان که ملائکه پیرامون آن طواف می‌کنند در روایات شیعه و سنی هر دو آمده اما این روایات در تعیین محل خانه نامبرده اختلاف دارند. در بیشتر آنها آمده که در آسمان چهارم واقع است و در بعضی آمده که در آسمان اول است و بعضی دیگر محل آن را آسمان هفتم دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۹/۸).

ضمناً این نکته که آسمانها محل سکونت فرشتگان است، البته حقیقتی است که علاوه بر آیات قرآن بسیاری از احادیث صحیح و قابل اعتماد نیز به آن اشاره داشته‌اند

(مجلسی، ۲۰۱/۹؛ صحیفه سجادیه، دعای ۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹).

موضوع دیگری که ما را به سکونت فرشتگان در آسمانها راهنمایی می‌کند مجموعه احادیث مربوط به معراج پیامبر گرامی (ص) است. از این احادیث که با اسناد مختلف از قول شیعه و سنی نقل شده چنین برمی‌آید که در هر یک از آسمانهای هفتگانه فرشتگانی ساکن هستند که پیامبر (ص) با ایشان ملاقات نمود (طبرسی، ۳۹۵/۶؛ آلوسی ۵/۱۵). در عین حال علامه طباطبایی (۱۸۷/۱۷) می‌نویسد: «مراد از آسمانی که ملائکه در آن منزل دارند، عالمی ملکوتی است که افقی عالیت از عالم ملک و محسوس دارد همان طور که آسمان محسوس ما با اجرامی که در آن هست عالیت و بلندتر از زمین ماست».

۲-۳- آسمانها محل نزول رزق‌اند.

جستجو در آیات قرآنی ما را به این امر رهنمون می‌سازد که رزق بندگان نیز در آسمانها و از آنجا نازل می‌گردد و از دیگر مأموریت‌های فرشتگان الهی نزول رزق از آسمانها است. در بیش از ۱۲۰ آیه از قرآن کریم واژه «رزق» و مشتقات آن به کار رفته است ولی آیاتی که به طور روشن به نزول رزق از آسمان تصریح دارند حدود ۱۲ آیه است.

خداوند می‌فرماید: *ينزل لكم من السماء رزقا (غافر/۱۳)*، یعنی: از آسمان بر شما روزی می‌فرستد. این نکته در آیات متعدد دیگری نیز تکرار شده (مثلاً: *نحل/۷۳*؛ *سباء/۲۴*؛ *فاطر/۳*؛ *نمل/۶۴*؛ *ابراهیم/۱۲۳*...).

برخی گمان برده‌اند که منظور از نزول رزق از آسمانها، همان بارانی است که نازل می‌شود در حالیکه این فرض حتی با فرض صحت در همه موارد صدق نمی‌کند. بنابراین تعلیمات قرآنی منابع و مخازن همه اشیاء نزد خداوند است که برحسب تقدیر و اندازه‌های معینی فروفرستاده می‌شود (*حجر/۲۱*). بدون شک مبدأ این نزول همانا آسمان غیب (پنهان) است.

در *المیزان* بطور مبسوط درباره رزق و فروفرستادن آن در ذیل آیات مختلف مربوط به رزق بحث شده است (طباطبایی، ۱۰/۱۲۲-۱۲۱، ۱۸/۸۲-۸۱، ۱۸/۵۶۲، ۱۷/۱۲۵).

۱-۲-۳- بهشت موعود در آسمانهاست

همه پیامبران الهی، بندگان صالح و خوب خدا را به ثوابهای مختلف و از همه مهمتر بهشت برین وعده داده‌اند. در قرآن کریم نیز خدای تعالی امت محمد(ص) را که ایمان آورده عمل صالح داشته باشند به جنات یا همان بهشت وعده داده است.

شمارگان آیاتی از قرآن مجید که «جنة» و مشتقات آن در آن بکار رفته حدود ۱۵۰ آیه است (المعجم المفهرس، ۱۸۲-۱۸۰) که در برخی از آنها بهشت مؤمنان به «جنة» در برخی به «جنات» و همچنین به الفاظ «جنتی» و «جنتان» تعبیر شده است. بحث دربارهٔ اختلاف تعبیر البته از حوصله این مقاله خارج است لکن مطلبی که در این پژوهش مورد توجه است آیاتی است که ارتباط بین بهشت با آسمان را لحاظ نموده است.

برخی مفسران در تفسیر آیه و فی السماء رزقکم و ما توعدون (ذاریات/۲۲)، یعنی: روزی شما با همه وعده‌ها که به شما داده‌اند در آسمان است، گفته‌اند: ظاهراً مراد از آن بهشتی است که به انسانها وعده داده شده است (طباطبایی، ۱۸/۵۶۳). همچنین وجود بهشت در آسمانها با آیه ۱۵، سورهٔ نجم ارتباط دارد.

۴-۲- عذابهای الهی از آسمان نازل می‌شوند

سنت‌های الهی و نظم متقنی که بر عالم حاکم است چنین مقرر داشته که انسانها بواسطهٔ نافرمانی و طغیان در برابر اوامر الهی مورد عذاب واقع شوند؛ مسألهٔ نزول عذاب از آسمان طی آیه‌های گوناگونی بیان شده است.

در برخی از آنها نزول عذاب از آسمان به طور مطلق ذکر شده (بقره/۵۹؛ اعراف/۱۶۲) و برخی چگونگی عذاب آسمانی نیز بیان شده است (انفال/۳۲؛ اسراء/۹۲؛ کهف/۴۰؛ سباء/۹؛ طور/۴۴).

مفسران در این باره اتفاق نظر دارند که این عذابها بوسیلهٔ فرشتگانی که موکل بر آسمان و حوادث عالم هستند از آسمان بر زمین و اهالی آن نازل می‌گردد و اما کجایی، چیستی و ویژگی‌های دیگر این آسمان همچنان در پردهٔ رازهای غیبی مکنون است.

۵-۲- عالم ملکوت و عروج اعمال در آسمانهاست

اگر چه از بسیاری از آیات قرآن مستفاد می‌گردد که همهٔ امور این جهان مادی، مبداء و منبعی در جهان غیب دارند ولی در چند آیه کاملاً تصریح شده است که اعمال بندگان به سوی آسمانها عروج می‌کند چنانکه آمده است: *يعلم... ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها (سباء/۲؛ حدید/۴)*، یعنی: خداوند از آنچه که به زمین نازل می‌شود چون بارانها و اشعهٔ اجرام نورانی و ملائکه با اطلاع است و از آنچه که از زمین به طرف آسمان بالا می‌رود مانند دودها و بخارها و ملائکه و اعمال بندگان باخبر است (طباطبایی، ۲۵۶/۱۹). همچنین در چند آیه از گشودن درهای آسمان سخن رفته است (اعراف/۴۰، ۹۷؛ حجر/۱۴) که در تفسیر و تأویل درهای آسمان و گشودن آنها مفسران مطالبی بیان کرده‌اند (سید قطب، ۵۱۶/۳؛ طباطبایی، ۱۴۴/۸، ۲۵۴، ۱۲، ۱۹۹-۱۹۸؛ مکارم، ۱۸۹-۱۹۱/۸).

کتابشناسی

- قرآن، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، ۱۳۷۲.
- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، ۱۹۵۶م.
- ابو حجر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت، ۱۹۹۱م.
- الوسی، محمود، روح المعانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- بازرگان، مهدی، باد و باران، به کوشش محمد مهد جعفری، تهران، ۱۳۵۳.
- بانو امین، مخزن العرفان، اصفهان، انتشارات انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست، بی تا.
- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، ۱۳۹۳ق.
- بوکای، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد، بی تا.
- جمعه، محمد لطفی، نظرات عصریه فی القرآن الکریم، قاهره، ۱۹۹۱م.
- الخطیب، عبدالغنی، اضواء من القرآن علی الانسان و نشأة الکون و الحیاة، دمشق، ۱۹۷۰م.
- رازی، ابو الفتوح، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، ۱۳۶۶.
- الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، بی جا، ۱۳۹۲ق.
- رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، قاهره، مکتبه القاهره، بی تا.
- سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، ۱۹۷۱م.

- شریعتی، محمدتقی، تفسیر نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران، ۱۳۵۸.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، بیروت، ۱۳۷۹ق.
- طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، بی جا، ۱۹۷۴م.
- طوسی، التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیر العاملی، قم، ۱۴۰۹ق (افست از چاپ بیروت).
- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس، قاهره، ۱۳۶۴ق.
- العقادی، عباس، التفکیر فریضه اسلامیة، بیروت، دارالقلم، بی تا.
- الغمرای، محمد، الاسلام فی عصر العلم، بی جا، ۱۹۷۳م.
- فخر رازی، تفسیر کبیر، تهران، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- فواز عراجی، ابراهیم، القرآن و علوم العصر الحدیثة، بیروت، ۱۹۸۸م.
- فیض کاشانی، ملا محسن، کتاب الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۵۶.
- قاسمی، محاسن التأویل، بیروت، ۱۹۷۰م.
- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین، تهران، ۱۳۴۴.
- گازر، ابوالمحاسن الجرجانی، تفسیر گازر، تهران، ۱۳۳۷.
- گیتون ران و همکاران، خدا و علم، ترجمه عباس آگاهی، تهران، ۱۳۷۴.
- المراغی، محمد مصطفی، الدروس الدینیة، بی جا، بی تا.
- معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران، ۱۳۷۵.
- مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، بیروت، ۱۹۸۱م.
- مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، ۱۳۷۵.
- منصوری، رضا، فلک را سقف، کیهان شناسی برای همه، تهران، ۱۳۷۸.
- نوفل، عبدالرزاق، قرآن بر فراز اعصار، شکیب بهرام پور، تهران، ۱۳۴۹.
- نهج البلاغه، ضبط و تحقیق صبحی الصالح، بیروت، ۱۹۶۷م.
- نیازمند، بدالله، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، تهران، ۱۳۶۳.
- هاج، پاول، ساختار ستارگان و کهکشانها، ترجمه توفیق حیدر زاده، تهران، ۱۳۷۲.
- هاوکنینگ، استیفن، تاریخچه زمان، ترجمه رضا محبوب، تهران، ۱۳۷۵.

هیوی، سید باقر، هیئت در مکتب اسلام، تهران، ۱۳۴۵.